

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: زبان و ادبیات فارسی

عنوان :

فرجام شناسی در مثنوی

استاد راهنما:

دکتر عالیہ یوسف فام

استاد مشاور:

دکتر شروین خمسه

پژوهشگر:

پریسا شاهرخی خانقاه

تابستان ۱۳۹۰

تقدیم :

به یاد مادر خوبم ، تکیه گاهی که هنوز هم در
حسرتش هستم.

تقدیم به :

پدر عزیزم، من الفبای مهربانی را از تو
آموختم و در لبخند مهربانت به اوج هستی
رسیدم . سایه ات پایدار
جاوید.

تقدیم به :

همسر مهربانم،مهرت فریادرس
بزرگ قلبم بوده است . پس نسبت به
جبران ذره ای از محبت‌های بی دریغت
این نا چیز را با تمام خلوص و سپاس
قلبیم به پیشگاهت تقدیم می کنم.

و تقدیم به :

پسر نازم پویا ، وجود تو مرا به حرکت و
جنبش وامی دارد و لبخند زیبای تو زندگی ام
را پر فروغ می گرداند .

سپاسگزارى:

سپاس به درگاه ایزدمنان که به لطف و رحمت خود به مخلوقاتش قدرت اندیشه و تفحص بخشید و راه ترقی و پیشرفت را فراسوی آنان گشود و با اعطای برکات خود توفیق چیدن خوشه ای از خرمن علم را به بنده حقیرش عطا فرمود.

ضمن قدردانی و سپاس از زحمات بی شائبه سرکار خانم دکتر عالیہ یوسف فام که با راهنمایی های ارزشمند و پر ارج آموخته های خویش را چون چراغی فرا روی من نهادند.

در اینجا لازم می دانم که از زحمات استاد گرانقدر سرکار خانم دکتر شروین خمسه که با مشورت هوشمندانه و دقت نظر عالمانه در تدوین این مجموعه یاریم نمودند و همچنین از زحمات جناب آقای دکتر احمد رنجبر در مقام استاد داور کمال تشکر و قدر دانی را داشته باشم

.

بسمه تعالی

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

- اینجانب **پریسا شاهرخی خانقاه** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۷۱۰۸۹۸۳۷۰۰ در رشته زبان و ادبیات فارسی که در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۲۱ از پایان نامه خود تحت عنوان:
- فرجام شناسی در مثنوی با کسب نمره ۱۸ و درجه عالی دفاع نموده ام بدین وسیله متعهد می شوم:
۱. این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.
 ۲. این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
 ۳. چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
 ۴. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: **پریسا شاهرخی خانقاه**

تاریخ و امضاء:

۹.۹.۲۶

بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۲۱

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم پریسا شاهرخی خانقاه پایان نامه
خود دفاع نموده و با نمره بحروف و با
درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول کلیات
۲	۱-۱ بیان مسأله
۲	۲-۱ هدف تحقیق
۳	۳-۱ اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن
۳	۴-۱ سؤالات و فرضیه‌های تحقیق
۳	- سؤالات
۴	- فرضیه‌های تحقیق
۵	۵-۱ مدل تحقیق
۵	۶-۱ تعاریف عملیاتی متغیرها و واژه‌های کلیدی
۶	۷-۱ روش تحقیق
۶	۸-۱ قلمرو تحقیق
۷	۹-۱ جامعه و حجم نمونه
۷	۱۰-۱ مشکلات و محدودیت‌های تحقیق
	فصل دوم مطالعات نظری و پیشینه تحقیق
۹	مقدمه
۱۰	۱-۲ مولوی
۱۰	۱-۱-۲ زندگی‌نامه مولوی
۱۴	۲-۱-۲ آثار مولوی
۱۷	۳-۱-۲ اصول فکری مولوی
۲۰	۲-۲ روح و نفس
۲۰	۲-۲-۲ روح
۲۲	۲-۲-۲ نفس در معنای لغوی
۲۵	۳-۲ معاد
۲۵	۳-۲-۱ معاد در لغت و اصطلاح
۲۸	۳-۲-۲ ادله وجود معاد
۲۹	۳-۳-۲ اقسام معاد
۳۱	۴-۳-۲ آثار اعتقاد به معاد
۳۴	۴-۲ مرگ
۳۴	۱-۴-۲ مرگ چیست؟
۳۶	۲-۴-۲ فرشته مرگ
۳۷	۳-۴-۲ عزرائیل

۳۹ ۵-۲ برزخ
۳۹ ۱-۵-۲ عالم برزخ
۴۱ ۶-۲ قیامت
۴۱ ۱-۶-۲ علائم و نشانه‌های قیامت
۴۴ ۲-۶-۲ نام‌های قیامت در قرآن
۴۶ ۷-۲ نامه اعمال
۴۶ ۱-۷-۲ نامه‌ی عمل
۴۷ ۸-۲ دوزخ
۴۷ ۱-۸-۲ دوزخ در معنای لغوی
۴۷ ۲-۸-۲ دوزخ در آیات قرآن
۴۹ ۳-۸-۲ نام‌های دوزخ
۵۱ ۴-۸-۲ اوصاف دوزخ
۵۲ ۵-۸-۲ عذاب‌های جسمانی دوزخ
۵۳ ۶-۸-۲ عذاب‌های روحانی جهنم
۵۴ ۷-۸-۲ علل و اسباب ورود به جهنم
۶۰ ۹-۲ بهشت
۶۰ ۱-۹-۲ معنای لغوی و اصطلاحی بهشت
۶۰ ۲-۹-۲ درهای بهشت
۶۱ ۳-۹-۲ نعمت‌های روحانی بهشت
۶۳ ۴-۹-۲ نعمت‌های جسمانی بهشت
۶۴ ۵-۹-۲ کلیدهای بهشت
۶۶ ۱۰-۲ اعراف
۶۶ ۱-۱۰-۲ اعراف
۶۷ ۲-۱۰-۲ اعرافیان چه کسانی هستند؟
۶۹ ۱۱-۲ پیشینه تحقیق

فصل سوم روش شناسایی تحقیق (متدلوژی)

۷۱ ۱-۳ روش تحقیق
۷۱ ۲-۳ جامعه آماری
۷۱ ۳-۳ حجم نمونه و روش اندازه‌گیری
۷۱ ۴-۳ ابزار جمع‌آوری اطلاعات
۷۱ ۵-۳ روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

فصل چهارم تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

۷۳ مقدمه
۷۵ ۱-۴ نفس و روح در مثنوی
۷۵ ۱-۱-۴ نفس در مثنوی
۷۸ ۲-۱-۴ مبارزه با نفس
۷۹ ۳-۱-۴ روح در مثنوی
۸۳ ۲-۴ دنیا و آخرت در مثنوی
۸۳ ۱-۲-۴ دنیا در نظر مولوی
۸۵ ۲-۲-۴ تقابل دنیا و آخرت
۸۹ ۳-۴ مرگ در مثنوی
۸۹ ۱-۳-۴ عزرائیل در مثنوی
۹۰ ۲-۳-۴ مرگ اختیاری
۹۴ ۳-۳-۴ مرگ اجباری
۹۵ ۴-۳-۴ مرگ جزوی
۹۶ ۵-۳-۴ ترس از مرگ، ترس از خود
۹۸ ۶-۳-۴ مرگ، شیرین است
۱۰۰ ۷-۳-۴ مرگ حکمت خداست
۱۰۱ ۸-۳-۴ مرگ، تکامل است
۱۰۳ ۹-۳-۴ خواب برادر مرگ است
۱۰۶ ۱۰-۳-۴ علت فراموشی مرگ
۱۰۷ ۴-۴ رستاخیز در مثنوی
۱۰۷ ۱۱-۴-۴ اعتقاد به روز حساب، رستاخیز و معاد
۱۱۲ ۲-۴-۴ نشانه‌های قیامت
۱۱۴ ۳-۴-۴ توشه برداشتن برای آخرت
۱۱۵ ۴-۴-۴ کشف ضمائر و پنهانی‌ها در رستاخیز
۱۱۷ ۵-۴-۴ تجسم اعمال
۱۲۰ ۶-۴-۴ ناسودمندی مال و فرزند و دوستان در قیامت
۱۲۱ ۷-۴-۴ نامه اعمال یا دفاتر نفس
۱۲۴ ۸-۴-۴ پاداش و کیفر
۱۲۷ ۵-۴-۴ برزخ و بهشت و دوزخ در مثنوی
۱۲۷ ۱-۵-۴ برزخ در مثنوی
۱۲۸ ۲-۵-۴ بهشت و جهنم در مثنوی
۱۳۰ ۳-۵-۴ جایگاه بهشت و دوزخ در مثنوی
۱۳۰ ۴-۵-۴ دوزخ

۵-۵-۴ بهشت و نعمت‌های بهشتی در مثنوی ۱۳۴

فصل پنجم نتیجه گیری

۱-۵ نتیجه گیری ۱۳۸

منابع و مأخذ ۱۴۰

Abstract ۱۴۳

چکیده :

فرجام شناسی (معاد) از نظر اهمیت ، بعد از توحید مهمترین مسأله دینی و اسلامی است . زیرا در سایه اعتقاد به معاد است که هدف از آفرینش تحقق می یابد و اعمال و رفتار انسان ارزش و معنا پیدا می کند. مولوی در مثنوی با استناد به قرآن کریم و احادیث ، ابیات فراوانی را در خصوص معاد ، رستاخیز و عالم بعد از مرگ سروده است . او به دو نوع رستاخیز معتقد است . ۱- طبیعی ۲- ماوراء طبیعی . قیامت طبیعی همان روزی است که همه مردگان زنده می شوند و نشانه های قیامت آشکار می شود ولی قیامت ماوراء طبیعی یا روحی و معنوی وقتی به وقوع می پیوندد که سالک کوه تعینات و خودبینی را به مدد همت الهی و عبادت و ریاضت از میان برمی دارد یعنی از خود فانی و در خدا باقی می شود و قیامتی در وجود او رخ می دهد. وی مرگ را به دو نوع تقسیم کرده است .

الف- مرگ اختیاری

ب- مرگ اجباری (اجل)

مرگ اختیاری آن است که انسان با برنامه های الهی و عرفانی بر نفس خود چیره شود و درون و باطن خود را تهذیب نماید . مولوی مرگ اختیاری را عنایت خداوند می داند، که باعث هدایت و حیات می شود.

فصل اول کلیات

۱-۱ بیان مسأله

فرجام شناسی یا معاد از مهم‌ترین آموزه‌های ادیان الهی است که همه پیامبران تأکید بسیاری بر آن دارند و پس از ایمان به خداوند، رکن اساسی مکتب تمامی انبیاء می‌باشد و به لحاظ اهمیت، کارآیی معاد در اصلاح نفوس بیش از توحید است، زیرا اعتقاد به توحید بدون معاد بازدارندگی نداشته و تنها «ایمان به معاد و بررسی اعمال نیک و بد انسان» است که باعث می‌گردد «ایمان به خدا» در زندگی انسان تأثیری پررنگ داشته باشد. این مسأله که مرگ پایان حیات است یا آغاز حیاتی جدید، همواره ذهن انسان را به خود مشغول کرده است. مولوی نیز یکی از شاعران و عارفان بزرگ است که همواره در اشعار خود به خصوص در مثنوی معنوی معاد و موضوعات متعلق به آن را منعکس کرده است.

مولوی انسانی عارف بوده که به بررسی تمام وجوه انسانی پرداخته است. او تجربیات و شناخت خود را از انسان و مرگ و جهان پس از مرگ، در نهایت بلاغت و فصاحت در قالب تمثیل‌های زیبا و آموزنده در مثنوی جمع‌آوری کرده است. در این تحقیق سؤال اصلی، این است که معاد از دیدگاه مولوی چگونه مطرح شده است؟

۲-۱ هدف تحقیق

هدف این تحقیق، روشن کردن معنی و مفهوم واژه «معاد» و مسائل مربوط به آن به شکل خاص، یعنی در حوزه خارج از ادبیات و بررسی اندیشه‌های مولوی درباره این مقوله می‌باشد. معاد یا فرجام‌شناسی در تمامی ادیان الهی و حتی غیر الهی همواره مورد بحث بوده است. در این پژوهش سعی بر این شده است تا این مبحث در ادبیات مثنوی بررسی گردد.

۳-۱ اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن

تحقیق حاضر از دو جنبه اهمیت دارد. اول اینکه مثنوی معنوی از کتب مهم فارسی است که از جنبه‌های گوناگونی بر زندگی ایرانیان تأثیر گذاشته است و بررسی لایه‌های مختلف این کتاب ارزشمند از اهمیت بالایی برخوردار است. از طرف دیگر، علم معاد از اعظم مسائل الهی و برترین آن‌ها از لحاظ رتبه بوده و از امهات ایمان و رکن عظیم اسلام و از اصول دین مسلمانان می‌باشد و از شریف‌ترین علوم و اصل بزرگ در حکمت و عرفان به حساب می‌آید. و از آنجائیکه این مسأله، یکی از احساسات بشری است، تحقیق در این زمینه به ویژه درباره شاعری عارف چون مولوی ضروری می‌نماید.

انگیزه‌ای که در انتخاب و گزینش این موضوع، الهام‌بخش گردیده، علاقه‌ی فراوان به مسائل عقیدتی و بررسی ارتباط آن با ادبیات و شعر به خصوص در مثنوی مولوی بود. تا با باز شدن این باب، آثار دیگر بزرگان ادب فارسی، در این زمینه مورد توجه قرار گیرد.

۱-۴ سوالات و فرضیه‌های تحقیق

سؤال اصلی

۱- مولوی در مثنوی چگونه به مسأله معاد پرداخته است؟

سوالات فرعی

- ۱- به عقیده‌ی مولوی آیا غیر از این دنیا، دنیای دیگری نیز وجود دارد؟
- ۲- مولوی چگونه از آیات و احادیث در باب معاد استفاده کرده است؟
- ۳- چرا مولوی در مثنوی از قصه و تمثیل‌هایی که به امر معاد پردازد استفاده نموده است؟

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

۱- فرض بر این است که از آن جائیکه مولوی شاعری عارف بوده و در کتاب ارزشمندش مثنوی به تمام وجوه زندگی بشری پرداخته است بر روی معاد و مسائل مربوط به آن توجه ویژه‌ای داشته است. به طور کلی مولوی و عرفا، قیامت را به دو قسم طبیعی و ماوراء طبیعی تقسیم کرده‌اند قیامت طبیعی عبارتست از تحول دائمی موجودات و ممکنات. اما قیامت ماوراء طبیعی در این جهان و آن خلع وجود مجازی خود و لیس وجود حقیقی است و به زبان ساده‌تر گذر از جنبه مادی و رسیدن به جنبه معنوی می‌باشد.

فرضیه های فرعی

- ۱- با توجه به عارف بودن مولوی فرض است که در عقیده وی غیر از این دنیا، دنیای دیگری نیز وجود دارد که به مراتب بهتر از دنیای مادی می‌باشد و در ادبیات بسیاری این عالم و عالم بالا را با یکدیگر مقایسه کرده است.
- ۲- از آنجائیکه منبع اصلی مولوی در مثنوی قرآن کریم و احادیث می‌باشد فرض است که وی با توجه به آیات و احادیث بی‌شماری که درباره معاد وجود دارد، استفاده لازم را در این باب برده است. در بعضی ابیات کل آیه یا حدیث را آورده و در بسیاری از آنها از قسمتی از آیه و یا حدیث استفاده نموده است.
- ۳- مولوی برای ملموس شدن مسائلی که در مثنوی مطرح نموده است از حکایت‌ها و تمثیل‌های زیبا و دلنشین استفاده کرده است. فرض است با توجه به اهمیت و پیچیدگی موضوع معاد نیز به آوردن داستان‌ها و تمثیل‌ها پرداخته است.

۱-۵ مدل تحقیق

مدل این تحقیق از نوع تحلیلی، توصیفی می‌باشد.

۱-۶ تعاریف عملیاتی متغیرها و واژه‌های کلیدی

تعریف عملیاتی متغیرها

معاد: در لغت به معنای «بازگشت و عودت» است و مراد از آن در این پژوهش عبارت است از زنده شدن دوباره انسان پس از مردن تا پاداش و کیفر اعمالی را که در سراسر دنیا به اختیار خویش انجام داده است، دریافت کند. معاد یعنی برگشتن از حیات به سوی معات در دنیا و از ممات به سوی حیات ابدی.

نفس: روانی را که انسان در آغاز تولد با خود دارد طبع می‌گویند که در برخورد با محیط و در اثر آموزشی که در خانواده و مدرسه می‌بیند نام نفس به خود می‌گیرد. نفس در اصطلاح صوفیه تورع دل است به مطالب غیوب که نازل است از حضرت محبوب و عبارت از ترویج قلوب است.

روح: این واژه در اصل به معنی «نفس کشیدن و دمیدن» است و اصل آن از «ریح» به معنای باد، نسیم گرفته شده است و از آنجا که روح انسان یعنی همان گوهر مستقل و مجردی که سرچشمه حیات و تفکر و اندیشه است، جوهر لطیفی است که از نظر تحرك و حیات بخش بودن همچون «نفس و نسیم» است، به این نام، نامیده شده است.

مرگ: مرگ نیستی و نابودی و فنا نیست، انتقال از عالمی به عالم دیگر و از نشئه‌ای به نشئه‌ای دیگر است و حیات انسان به گونه‌ای دیگر ادامه می‌یابد.

برزخ: برزخ به معنای حاجز، مانع، حائل و حدفاصل بین دو چیز است. دورانی است میان زندگی دنیا و زندگی آخرت، دورانی که برای نیکوکاران رهایی از قفس بدن است و برای گناهکاران بس وحشت زا و دلهره‌آور.

دوزخ: دوزخ کانون آتشی است دارای طبقات گوناگون برای کیفر دوزخیان که هر بخش آن با انواع عذاب‌ها مهیا گردیده است. این مکان ترسناک نام‌های گوناگون دارد که مهم‌ترین آن‌ها «جهنم» است و در لغت به معنی آتش و چاه آتش آمده است.

بهشت: بهشت در لغت یعنی بهترین (جهان). جایی خوش آب و هوا و فراخ نعمت و آراسته که نیکوکاران پس از مرگ در آن مخلد باشند.

واژه‌های کلیدی: مولوی- مثنوی معنوی- معاد، نفس، روح، برزخ، بهشت و دوزخ

۷-۱ روش تحقیق

در این پژوهش، روش تحقیق، اسنادی، کتابخانه‌ای است و با استفاده از کتاب، مقاله و پایان‌نامه انجام شده است. روش اسنادی، نوعی روش مشاهده غیرمستقیم است و با مراجعه به منابع و مأخذ نوشتاری و کتابخانه‌ای اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه‌ها، اطلاعات و داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری می‌شود.

۸-۱ قلمرو تحقیق

به دنبال پاسخ به این سؤال که فرجام‌شناسی در مثنوی چگونه بیان شده است، این سؤال اساسی مطرح می‌شود که اصولاً فرجام‌شناسی به چه معناست؟ فرجام‌شناسی به غایت و سرانجام انسان‌ها و موجودات می‌پردازد و این در اسلام مطابق معاد می‌باشد که یکی از اصول اعتقادی مسلمانان است که نویسندگان کتاب‌های زیادی در این باب تألیف نموده‌اند از آن جمله «سیری در جهان پس از مرگ» نوشته‌ی دکتر حبیب‌الله طاهری که کتاب بسیار کامل و جامعی است که تمام موضوعات مربوط به معاد را دربرمی‌گیرد. کتاب «معاد» نوشته آقای قرآنی و همچنین کتاب «معادشناسی در پرتوی کتاب، سنت، عقل» تألیف دکتر جعفر سبحانی و کتاب‌های ارزشمند دیگری که در فهرست منابع ذکر شده است.

۹-۱ جامعه و حجم نمونه

تمام ابیات ۶ دفتر مثنوی که مطابق با نسخه‌ی تصحیح شده نیکلسون که معتبرترین نسخه‌ها می‌باشد بیست و پنج هزار و ششصد بیست است.

۱۰-۱ مشکلات و محدودیت‌های تحقیق

با توجه به این که در زمینه معاد علاوه بر آیات و تفاسیر قرآنی در کتب دیگر، مفصل توضیح داده شده است، و همچنین در مورد مولوی دیدگاه‌های وی و مثنوی کتاب ارزشمندش تحقیقات وسیعی صورت گرفته است و از آنجا که موضوع پژوهش، فرجام‌شناسی (معاد) در مثنوی مولوی است، جز حجم گسترده‌ی مثنوی در زمینه موارد دیگر مشکلات چندانی به وجود نیامد.

فصل دوم

مطالعات نظري و پيشينه تحقيق

مقدمه

پیامبران الهی - بدون استثناء - پس از اصل توحید، مهم‌ترین اصلی که مردم را به آن متذکر کرده‌اند و ایمان به آن را از مردم خواسته‌اند، همین اصل است که در اصطلاح متکلمان اسلامی به نام «اصل معاد» معروف است.

منبع و منشأ ایمان به زندگی جاوید و حیات اخروی، قبل از هر چیز دیگر، وحی الهی است که به وسیله پیامبران به بشر ابلاغ شده است. بشر پس از آن که خدا را شناخت و به صدق گفتار پیامبران ایمان آورد و دانست که آنچه به عنوان وحی ابلاغ می‌کنند واقعاً از طرف خداست و تخلف‌ناپذیر است، به روز قیامت و حیات جاوید اخروی که همه پیامبران ایمان به آن را مهم‌ترین اصل پس از توحید معرفی کرده‌اند ایمان پیدا می‌کند.

موضوع معاد و سرگذشت انسان بعد از مرگ جایگاه ویژه‌ای در متون دینی دارد بلکه در ادبیات فارسی نیز از جایگاه والایی برخوردار است.

مولوی از جمله شاعران عارفی است که این موضوع را در ابیات کتاب ارزشمندش مثنوی و در قالب تمثیل‌ها و حکایت‌های زیبا بیان کرده است.

در این فصل ابتدا به زندگی مولوی و آثار و عقاید وی و سپس به مسأله نفس و روح و معاد و مرگ و عوالم پس از مرگ (برزخ، بهشت، دوزخ و ...) پرداخته می‌شود.

۱-۲ مولوی

۱-۱-۲ زندگی‌نامه مولوی

هویت مولوی

خداوندگار مولانا جلال‌الدین محمد بن سلطان العلماء بهاء‌الدین محمد بن حسین بن احمد خطیبی بکری بلخی که بعدها در کتب از او به صورت‌های «مولانای روم» و «مولوی» و «ملای روم» یاد کرده‌اند. یکی از بزرگ‌ترین و تواناترین گویندگان متصوفه و از عارفان نام‌آور و ستاره‌ی درخشنده‌ی و آفتاب فروزنده آسمان ادب فارسی، شاعر حساس صاحب اندیشه و از متفکران بلامنازع عام اسلامیست. علت اشتهاار خاندانش به «بکری» انتساب آنست با بوبکر صدیق. (صفا، ۱۳۶۳، جلد سوم، ص ۴۴۹)

زادگاه او بلخ است. زاد روز وی ششم ربیع الاول است. به سال ۶۰۴ هـ متولد شد. چون بیشتر زندگانی او در روم شرقی (= آسیای صغیر) گذشت معروف به مولانای روم و یا ملای رومی شد. نام پدر مولوی بهاء ولد است. او فرزند جلال‌الدین حسین بن احمد خطیبی است. بهاء ولد ملقب به سلطان العلماء بود. البته در آن زمان این القاب را یک مرجع رسمی صادر نمی‌کرد. مادر احمد خطیبی جدا علای مولوی، فردوس خاتون نام داشت که وی دختر شمس‌الائمه ابوبکر محمد بن ابی سهل سرخسی است که در فقه اسلام، در همه‌ی فرقه‌های آن، نابغه‌ای چون او تا این زمان نیامد.

پدر مولوی

بهاء‌الدین ولد به سال ۵۴۳ هـ بزاد و ۸۵ سال عمر کرد و در قونیه به سال ۶۲۸ هـ وفات یافت. در این هنگام مولوی ۲۴ ساله بود. وی معاصر علاء‌الدین محمد بن تکش خوارزمشاه بود. (لنگرودی، ۱۳۷۱، ص ۱۷)

در سال ۶۱۰ هـ ق. به هنگامی که جلال‌الدین شش ساله بود، پدرش بهاء ولد، به سبب اختلاف با امام فخر رازی و ربخش از خوارزمشاه، با خاندان و گروهی از یارانش به ترک بلخ گشت و به سوی غرب ایران رهسپار شد. نخست از راه نیشابور و بغداد به مکه رفت، از آنجا به شام روی نهاد و سپس به آسیای صغیر رهسپار شد. مدتی در ارزجان رحل اقامت افکند، بعد به ملطیه رفت و پس از چهار سال سکونت در آن شهر به لارنده عزیمت کرد و هفت سال در آنجا به سر برد، و در همین شهر، به هنگامی که جلال‌الدین هیجده ساله بود، سلطان العلماء گوهر خاتون دختر خواجه لالایی سمرقندی را به عقد جلال‌الدین محمد درآورد. ثمره این ازدواج بهاء‌الدین محمد، مشهور به سلطان ولد و علاء‌الدین محمد بودند. در این زمان، سلطان العلماء که در آسیای صغیر به سبب پارسایی و وقوف به علوم و فنون شهرت بسیار یافته بود، به دعوت علاء‌الدین کی‌قباد سلجوقی (۶۱۶-۶۳۴) به قونیه (= کونیا، شهری در جنوب ترکیه) روی نهاد، در آن شهر اقامت گزید و مجلس و عظ و بحث برقرار ساخت که هر روز گروه کثیری از طالبان، برای درک فیض در آنجا گرد می‌آمدند.

سلطان العلماء پس از مدتی اقامت در قونیه، و عظ و ارشاد و تألیف کتاب معارف «بهاء ولد» که دارای نثری زیبا و شاعرانه است، به سال ۶۲۸ درگذشت و بدین هنگام که مولانا بیست و چهار ساله بود، بنا به وصیت سلطان العلماء، یا به درخواست سلطان علاء الدین کی قباد و یا خواهش مریدان، تا ورود برهان الدین محقق ترمذی، حدود یک سال به عظ و تدریس علوم شرعی پرداخت. برهان الدین محقق ترمذی که از سادات حسینی ترمز و از مریدان و دوستانان بهاء ولد بود، بنابر روایات مناقب العارفین، مولانا را در علوم گوناگون آزمود و بی‌درنگ به تربیت او پرداخت و مولوی را برای فراگرفتن علوم ادبی و شرعی ترغیب به مسافرت حلب کرد.

مولانا در شهر حلب نزد کمال الدین ابن العدیم فقیه مشهور به تحصیل در فقه حنفی پرداخت و سپس برای تکمیل تحصیلات، روی به دمشق نهاد و چهار سال در آن شهر زیست و گویا در همانجا به دیدار محی الدین العربی توفیق یافت. بدین ترتیب معلوم می‌شود که زمینه تربیت و تعلیم مولانا از طریق سید برهان الدین محقق ترمذی به سلطان العلماء و از او به مشایخ کبرویه می‌رسد. (وزین پور، ۱۳۶۶، ص ۲۶-۲۵)

شمس تبریزی و مولوی

روز شنبه بیست و ششم جمادی الآخر سنه ۶۲۴ هجری که شمس الدین محمدبن ملک داد تبریزی وارد قونیه شد جلال الدین محمد بلخی معروف به خداوندگار و مولانای روم سی و هشت سال داشت، و به رغم کشمکش درونی که او را به رهایی می‌خواند، خود را به جاذبه‌ی حیات اهل مدرسه تسلیم کرده بود. (زرین کوب، ۱۳۷۵، ص ۱۰۴)

در مورد چگونگی دیدار شمس و مولانا نیز روایات مختلف نقل کرده‌اند، از جمله افلاکی روایت می‌کند که مولانا از مدرسه پنبه فروشان درآمد بر استری رهوار نشسته و شاگردان و مریدان در رکابش حرکت می‌کردند، ناگاه شمس الدین تبریزی را می‌بیند. شمس از مولانا می‌پرسد: «بایزید بزرگتر است یا محمد(ص)؟» مولانا می‌گوید: «این چه سؤال باشد؟! محمد(ص) ختم پیامبران است، وی را با ابو یزید چه نسبت؟»

شمس الدین پاسخ می‌دهد: پس چرا محمد(ص) می‌گوید: «مَاعَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ» و بایزید می‌گوید: «سُبْحَانِي مَا أَعْظَمُ شَأْنِي؟» مولانا از هیبت این سؤال بیفتاد و از هوش برفت، چون به خود آمد دست شمس الدین بگرفت و پیاده به مدرسه‌ی خود آورد و در حجره‌ی درآورد و تا چهل روز هیچ آفریده راه نداد. (فروزان‌فر، ۱۳۵۴، ص ۵۶)

با این ملاقات که در ظاهر یک تصادف نابیوسیده بود برای مولانا زندگی تازه‌ای آغاز شد. زندگی تازه‌ای که یک واعظ منبر و یک زاهد کشور را به یک درویش شاعر، و یک عاشق شیدا تبدی لکرد. مولانا در صحبت شمس، برای آنکه از ابرام طالب علمان، از رفت و آمد مریدان و از زیارت کسانی که تردد آن‌ها به خانگی وی اوقات وی را مثنوب می‌کرد، در امان بماند از همان اولین روزهای دوستی با شمس خانه و مدرسه‌ی خود را رها کرد و به خانه‌ی زرکوب قونیه که او نیز از همان آغاز آشنایی با شمس مجذوب او گشته بود نقل